

واکاوی انتقادی رابطه استاد- دانشجو در فرایندهای نام‌نویسی؛ از منظر دانشجو: (رشته فلسفه تعلیم و تربیت)

احمد بنی‌امدی* و سعید نضرنای**

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بود با رویکردی کیفی به واکاوی مسائل و معضلات ارتباط دانشجویان با اساتید راهنما و مشاور در فرایند پایان نامه نویسی اقدام کند. با توجه به سلطه‌خیز بودن این رابطه، روش هرمنوتیک انتقادی برای تحلیل داده‌های پژوهش برگزیده شد. با رعایت کامل اصول اخلاقی و حرفه‌ای پژوهش کیفی، با ۱۴ نفر از دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت که حداقل یک‌ترم از تصویب پیشنهاد آن‌ها می‌گذشت، مصاحبه‌هایی انجام شد. در نهایت داده‌های پژوهش پیرامون سه مقوله دانشجو، استاد و فضای تعامل استاد و دانشجو تحلیل شد. با توجه به نارضایتی اکثر مصاحبه‌شوندگان از این فرایند، در پایان پیشنهاد شد ضمن تقویت بنیه پژوهشی و مهارتی دانشجویان قبل از درگیر شدن در این فرایند، حیطه اختیارات و وظایف هرکدام از طرفین این رابطه دقیق و شفاف‌تر تبیین شود تا ضمن جلوگیری از سردرگمی‌ها و انتظارات بی‌مورد، زمینه مطالبه‌گری قانونی برای طرفین نیز فراهم آید.

کلیدواژه‌ها:

پایان‌نامه؛ پژوهش کیفی؛ رابطه استاد - دانشجو؛ فلسفه تعلیم و تربیت؛ هرمنوتیک انتقادی

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس تهران
a. banyasady@chmail. ir

** دانشیار دانشگاه خوارزمی

مقدمه

در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، نگارش پایان‌نامه آخرین مرحله از تحصیل محسوب می‌شود. این مرحله مانند سفری^۱ است که دانشجو با اتمام آن، به استقلال می‌رسد (گاردنر^۲، ۲۰۰۹). برخی صاحب‌نظران پایان‌نامه را پلی بین دنیای پژوهش و علم می‌دانند که کیفیت علمی و موقعیت دانش‌آموختگان را تضمین می‌کند (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۹). از همین روی انتظار می‌رود با اتمام پایان‌نامه امکان ورود به عرصه دانش‌پژوهان و تحکیم مبانی دانش‌رشته تحصیلی برای دانشجویان فراهم شود (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳).

از آنجاکه فرایند پایان‌نامه نویسی با دیگر دروس دوره تحصیلات تکمیلی تفاوت عمده‌ای دارد؛ مسائل گوناگونی در پیشبرد و کیفیت آن تأثیرگذار است. علاقه و توانمندی دانشجو به انجام پژوهش به صورت شبه مستقل، فراهم بودن بسترهای پرورش پژوهشگر در دانشگاه، چگونگی روابط بین اعضای درگیر در این فرایند و مواردی از این دست؛ از جمله مسائلی هستند که بی‌تردید نادیده گرفتن آن‌ها کیفیت پایان‌نامه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از میان مؤلفه‌های اثرگذار بر کیفیت پایان‌نامه، برخی رابطه مشاوره‌دهنده- مشاوره‌گیرنده^۳ در امر پایان‌نامه نویسی دوره دکتری را یکی از ابعاد مهم پایان‌نامه نویسی می‌دانند (جایگر^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). برخی دیگر، پایان‌نامه نویسی را فرآیند پیچیده‌ای می‌دانند، که یکی از جنبه‌های بااهمیت آن رابطه دانشجو با اساتید راهنما و مشاور است (کلی‌جن^۵ و همکاران، ۲۰۱۱). بعضی از پژوهش‌ها پیرامون فرایند پایان‌نامه نویسی به برنامه‌درسی پنهان پایان‌نامه‌ها اشاره کرده‌اند (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۹)، و عده‌ای دیگر روابط بین استاد راهنما و دانشجو را از عوامل مهم شکل‌گیری برنامه‌درسی پنهان در آموزش عالی دانسته‌اند (صفایی و همکاران، ۱۳۸۹).

بر این اساس عدم شکل‌گیری رابطه مطلوب با اساتید در این فرایند، می‌تواند به بروز مشکلاتی برای دانشجو، اساتید و به تبع آن برای نظام آموزش عالی منجر شود. همچنان که

-
1. The journey toward independence
 2. Gardner
 3. Advisor-Advisee Relationship
 4. Jaeger
 5. Kleijn

جایگر (۲۰۱۱، به نقل از گلده^۱، ۱۹۹۸) یکی از عوامل مهم ترک تحصیل دانشجویان دکتری را در روابط دشوار^۲ آن‌ها با اعضای هیئت علمی عنوان کرده است. بدین ترتیب موفقیت در نوشتن رساله دکتری مستلزم تعامل پویا با افراد بسیاری از جمله استاد راهنما و استاد مشاور است (گاسلینگ و نوردام^۳، ۲۰۰۶: ص ۵۲). فراتر از این، ایجاد رابطه مناسب میان دانشجویان و اساتید آن‌ها در دانشکده و گسترش و تعمیق این رابطه می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا ضمن کسب نگرش‌های ارزشمند، در آینده نیز به موفقیت بیش‌تری دست یابند (داراک و مور من^۴، ۱۹۹۷). بدین ترتیب نظام آموزش عالی می‌تواند از ارتباط مطلوب بین استاد و دانشجو به‌عنوان ابزاری برای تربیت شهروند پایبند به اخلاق نیز بهره‌بردار (برون و کراگر^۵، ۱۹۸۵).

هایر^۶ (۲۰۰۶) بر این باور است که رابطه خوب با استاد راهنما از قوی‌ترین و ماندگارترین روابطی است که یک دانشجو می‌تواند داشته باشد. از سوی دیگر این رابطه به‌عنوان یک رابطه انسانی مانند رابطه هر معلم و شاگردی یک رابطه دوطرفه است (اسچلتچی و آتود^۷، ۱۹۷۷). گسترش این نوع از روابط علاوه بر اینکه مزیت‌های فراوانی برای دانشجویان دارد، می‌تواند فواید بسیاری برای خود اساتید نیز به همراه داشته باشد، به‌عنوان نمونه می‌تواند زمینه جذب بودجه‌های پژوهشی برای اساتید شود و همچنین فرصت‌های شغلی متعددی را برای دانشجویان به وجود بیاورد (داراک و مور من، ۱۹۹۷).

در این رابطه، استاد راهنما و مشاور در نقش «خبره»^۸ و دانشجو در نقش «نوآموز»^۹ ظاهر می‌شود^{۱۰}. بنابراین، قدرت در دست اساتید است و اگر به‌گونه‌ای صحیح مدیریت نشود می‌تواند زمینه‌ساز سلطه نامطلوب شود. عدم استفاده صحیح از قدرت در این رابطه ممکن است ناشی از عوامل متعددی همچون ناآگاهی، سستی، پیش‌داوری، تبعیض، تعصب یا حتی

1. Golde
2. Difficult Relationships
3. Gosling & Noordam
4. Darracq & Moorman
5. Brown and Krager
6. Hair
7. Schlechty & Atwood
8. expert
9. novice

۱۰. جهت رعایت امانت این دو اصطلاح از نوشته‌ای اخذ شده است که متأسفانه منبع آن در بازبینی پیدا نشد که به آن استناد شود.

فرومایگی و تنگ‌نظری باشد.

یکی دیگر از معضلات دامن گیر این رابطه، فقدان استانداردهای مناسب تبیین شده از سوی دانشکده‌هاست، که می‌تواند زمینه‌ساز به‌کارگیری غلط قدرت در این رابطه باشد. استفاده و اعمال قدرت در این رابطه باید به افزایش میزان استقلال^۱، خودپایی^۲، خودتشخیصی^۳ و خودبهبودی^۴ دانشجویان منجر شود (ویلسن^۵، ۱۹۸۲). درحالی‌که دانشجویان انتظار دارند اساتید آن‌ها بیش‌تر از قدرت تخصصی و تبشیری خود در هدایت پایان‌نامه استفاده کنند، اما اساتید بیش‌تر قدرت قهری خویش را نمایان می‌کنند (گزر^۶، ۲۰۰۸، به نقل از صفایی و همکاران ۱۳۸۹).

در همین زمینه بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ دنیا اطلاعات مفیدی را در اختیار اساتید و دانشجویان خود قرار می‌دهند؛ به‌عنوان نمونه دانشگاه پنسیلوانیا^۷ (۲۰۰۶)، پرونده مفصلی را در این مورد در اختیار دانشجویان خود قرار داده که در آن ضمن راهنمایی‌های لازم، مسئولیت‌های هرکدام از طرفین این رابطه تشریح شده است. اما بنا بر شواهد موجود، دانشگاه‌های کشورمان در این زمینه اغلب بی‌تحركی قابل ملاحظه‌ای داشته و اغلب به ارائه حداقل اطلاعات ساختاری پایان‌نامه نظیر نوع فونت و پیکربندی آن بسنده کرده‌اند.

هرچند که امروزه در جامعه ما پایان‌نامه به‌راحتی در سطوح نازل خرید و فروش می‌شود و امکان تهیه آن در کتاب‌فروشی‌ها و فروشگاه‌های زیرزمینی فراهم است (گزارش خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳). اما بررسی و واکاوی مشکلات و معضلات نوشتن پایان‌نامه، با روش‌های علمی می‌تواند بهبود کیفیت پژوهش در عرصه دانشگاه و به دنبال آن پژوهش در سطح اجتماع را به ارمغان آورد.

با توجه به اینکه جامعه پژوهش حاضر دانشجویان رشته فلسفه تعلیم و تربیت است، ذکر چند نکته پیرامون آن ضروری به نظر می‌رسد. هرچند فلسفه تعلیم و تربیت به معنای

-
1. independence
 2. self-diagnosis
 3. self-care
 4. self- enhancement
 5. Wilson
 6. Gezer
 7. Pennsylvania University

اندیشیدن پیرامون تربیت آدمی عمر زیادی دارد (بهشتی، ۱۳۸۵)، اما عمر آن را به عنوان یک رشته دانشگاهی، به دهه ۱۹۴۰ نسبت می‌دهند (آندر^۱، ۲۰۰۸). در ایران سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ به ترتیب سال‌های راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته «تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش» و سال ۱۳۶۶ سالی است که این رشته به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است (شعبانی ورکی و محمدی چابکی، ۱۳۸۷). بنابراین، بعید نیست عمر کوتاه این رشته زمینه بروز پاره‌ای از مسائل همچون معضلات پایان‌نامه نویسی باشد. هرچند به نظر می‌رسد در کشور ما همه رشته‌ها با چنین چالش‌هایی پیرامون پایان‌نامه نویسی دست و پنجه نرم می‌کنند. از این روی با توجه به اینکه این رشته هنوز از اهمیت و جایگاه خود در نظام آموزش و پرورش و نیز آموزش عالی کشور بهره‌مند نیست (ضرغامی و بازقندی، ۱۳۸۹)، توجه به مسائل این رشته و بررسی جنبه‌های مختلف آن می‌تواند در پیشبرد و بهبود این رشته نو پا مؤثر باشد.

همچنان که ذکر شد، عوامل بسیاری بر کیفیت یک پایان‌نامه تأثیرگذار است؛ اما از بین این عوامل، پژوهش حاضر درصدد است تا به واکاوی رابطه استاد- دانشجو در فرایند پایان‌نامه نویسی - از منظر دانشجو اقدام کند. لذا سؤالات اساسی این پژوهش عبارت بودند از:

۱. عوامل مؤثری که از جانب دانشجو این رابطه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد کدام است؟

۲. عوامل مؤثری که از جانب استاد(راهنما/ مشاور) این رابطه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، کدام است؟

۳. فضای رشته و دانشکده چگونه این رابطه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؟

۴. در فرایند پایان‌نامه نویسی، دانشجویان چه شیوه‌ای را در مواجهه با اساتید راهنما و مشاور برمی‌گزینند؟

روش

رویکرد پژوهش حاضر، کیفی بود و برای تحلیل داده‌ها از روش هرمنوتیک انتقادی استفاده شد که روشی مبتکرانه و فلسفی در علوم انسانی است (روبرگ^۲، ۲۰۱۱). این روش

«هرمنوتیکی» است؛ چراکه هدف اصلی آن بازسازی و ایجاد زمینه برای فهم و تفسیر عبارات، اصطلاحات نمادین، متون و افعال است، همچنین «انتقادی» است، به این دلیل که زمینه تفسیر را متصل به قدرت و سلطه اجتماعی می‌داند و قدرت به آن بعد انتقادی می‌دهد. به طور کلی این روش به دنبال تغییراتی است که به موجب آن آزادی، برابری و رضایت‌مندی بیش‌تری در اجتماع فراهم شود (گیون^۱، ۲۰۰۸). این روش، ضمن اینکه تمرکز خود را بر موقعیت‌های ارتباطی معطوف می‌کند، که زیر نظر آن‌ها معنا ایجاد می‌شود، متعهد است که به فهم و افشای این کمک کند که چگونه عدم توازن قدرت و بدفهمی‌های نظام‌مند به محدودیت و تحریف تفاسیر منجر می‌شود (آلن^۲، ۱۹۹۵).

به بیان ترهون^۳ (۲۰۰۸) رسالت هرمنوتیک انتقادی عبارت است از گونه‌ای از فهم و حساسیت، که بتواند در موقعیت متعلق به دیگری قرار گیرد، همچنین ضروری است تا در برابر مغالطه «برتری نژادی» چالش‌هایی را ایجاد کند و برای رهایی بخشی اجتماعی تلاش کند. همه این مسائل درگرو آن است که برای انسان قابلیت تفسیر کردن را قائل باشیم. تفسیر نیز در فرایند پژوهش، خنثی و بی‌طرفانه به نظاره واقعیت اقدام نمی‌کند و صرفاً به ارائه گزارش از نمودها اکتفا نمی‌کند (مولردی شک^۴، ۲۰۰۸)، بلکه مبتنی بر پیش فهم و فرضیات پژوهشگر، تفسیر و تحلیل داده‌ها انجام می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در مطالعات هرمنوتیک انتقادی، تجزیه و تحلیل زمینه‌ای و تفسیری است که از فرایند تکرار شونده‌گی و چرخشی استفاده می‌کند. این تجزیه و تحلیل هم در داخل و هم در سراسر روایت‌ها به منظور اطمینان از این انجام می‌شود که هم شباهت‌ها و هم تفاوت‌ها به خوبی مطالعه و بررسی شده‌اند (پاتن^۵، ۲۰۰۲). آلن (۱۹۹۵) معتقد است «متفکرین هرمنوتیک انتقادی متعهدند که اجتماعی دموکراتیک را به وجود آورند تا به واسطه آن همه مشارکت‌کنندگان به طور برابر قادر باشند نقطه نظرات خود را برای رسیدگی مطرح کنند.» در همین راستا گفتگو در چنین پژوهش‌هایی نقش برجسته‌ای می‌یابد. گفتگو از آنجاکه مرتبط با

1. Given
2. Allen
3. Terhune
4. Mulredy-Shick
5. Patton

فرایند تفسیر و پژوهش مشارکتی است، ممکن است زمینه بر ملا کردن و افشای نظام‌های ایدئولوژیکی را فراهم آورد (هافمن^۱، ۲۰۰۳). در این پژوهش از هرمنوتیک انتقادی با اتکا به توصیف روبرگ (۲۰۱۱) و برداشت ترهون (۲۰۰۸) از توضیح پاتن (۲۰۰۲)، استفاده شد.

برای نمونه‌گیری نیز از روش‌های مختلفی استفاده شد. ابتدا تعداد زیادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته فلسفه تعلیم و تربیت (دانشگاه‌های شهر تهران) شناسایی شدند که دست‌کم یک‌ترم از تصویب پیشنهاد^۲ آن‌ها گذشته بود. در مرحله بعد خود این دانشجویان اطلاع‌رسان‌های پژوهش شده و نفراتی را برای انجام مصاحبه معرفی کردند. لذا مبتنی بر روش‌هایی که پاتن (۲۰۰۲) و لچمن^۳ (۲۰۰۶) برای نمونه‌گیری رایج در پژوهش‌های کیفی ذکر کرده‌اند، در این پژوهش از نمونه‌گیری بر اساس معیار^۴ و نمونه‌گیری گلوله برفی^۵ استفاده شد. بر اساس نمونه‌گیری مبتنی بر معیار، معیار مدنظر پژوهشگر در انتخاب فرد مصاحبه‌شونده اولویت اول را دارد. گذشت حداقل یک‌ترم از تصویب پیشنهاد توسط دانشجو، معیار پژوهش حاضر است. بر این اساس در این پژوهش با ۱۴ نفر^۶ از افراد دارای ویژگی لازم مصاحبه شد. بعد از مصاحبه با نفر یازدهم اطلاعات جدیدی به داده‌ها اضافه نشد، اما برای اطمینان خاطر با سه نفر باقی‌مانده نیز مصاحبه انجام شد.

زمان مصاحبه‌ها بین ۶۰ - ۱۸۰ دقیقه بود. بر طبق موازین اخلاقی پژوهش کیفی به مصاحبه‌شونده این اطمینان داده شد که اطلاعات او در نزد پژوهشگر محرمانه باقی خواهد ماند و از او اجازه گرفته می‌شد تا مصاحبه‌ها ضبط شود. پس از پایان پیاده‌سازی کلمه به کلمه مصاحبه‌ها، مبتنی بر روش هرمنوتیک انتقادی، پژوهشگر برداشت و تفسیر خود را به صورت اجمالی یادداشت و در اختیار مصاحبه‌شونده‌ها قرار داد. برخی از مصاحبه‌شونده‌ها نیز بازخوردهایی از صحبت‌هایشان را در اختیار پژوهشگر قرار دادند، بدین ترتیب اعتبار^۷ داده‌ها تأیید شد.

1. Hoffman
2. proposal
3. Litchman
- 4- Criterion Sampling
5. Snowball Sampling

۶. در این پژوهش ده مرد و چهار زن به عنوان مصاحبه‌شونده، از دانشگاه‌های الزهرا (س)، تربیت مدرس، خوارزمی (تربیت معلم سابق)، تهران، شاهد و علامه طباطبائی حاضر شدند. (این دانشگاه‌ها با شماره‌های یک تا شش قسمت یافته‌ها بدون هیچ ترتیبی کد گذاری شده‌اند).

7. Credibility

یافته‌ها

بر اساس تحلیل داده‌ها مضامین کلی و مقولات مرتبط با این مضامین شناسایی شد، که عبارت‌اند از:

دانشجو: (آگاهی و شناخت نسبت به فضای رشته، حریم روابط، هدفمندی، استقلال، انتقاد و مطالبه‌گری، انتظارات، تجارب دانشجویان گذشته)

استاد(راهنما/مشاور): (تجربه و تخصص، روابط بین اساتید، پرمشغله و پر مراجعه بودن) فضای دانشکده/رشته: (فرهنگ آشکار و پنهان گروه/ دانشکده، جوان بودن رشته، تعداد کم اساتید هر گروه)

در ادامه بر اساس اهداف پژوهش حاضر، چهار سؤال اساسی مطرح و تلاش شد تا بر اساس مضامین و مقولات استخراج‌شده به آن‌ها پاسخ داده شود.

الف. عوامل مؤثری که از جانب دانشجو این رابطه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد کدام است؟

۱. دانشجو

مقوله‌های اساسی متناسب به دانشجو را می‌توان به صورت کلی در شکل زیر مشاهده کرد:



شکل ۱: مقولات متناسب به دانشجو

در توضیح این موارد می‌توان گفت که:

۱-۱ عدم شناخت نسبت به فضای رشته (فضای فعلی و آینده رشته، نوپا بودن رشته، تعداد کم اساتید در گروه‌ها...)

گاهی دانشجو از رشته و فضای آن اطلاعات دقیق و مناسبی ندارد. این نداشتن شناخت می‌تواند زمینه سلطه استاد بر دانشجو را ایجاد کند:

ج/۳. برا دانش آموخته این رشته دقیق مشخص نیست که کجا باید بره و توی کدوم جاده باید قرار بگیره. مثلاً توی آگهی‌های استخدام به ندرت جایی درج میشه -که- به یک فارغ‌التحصیل فلسفه تعلیم و تربیت نیاز داریم، آن‌هم برای مشاوره در مدرسه. نه اینکه بگم مشاوره بده. با بچه‌های دیگه که حرف می‌زدیم به این نتیجه رسیدیم که فلسفه تعلیم و تربیت یه اشانتیونه برای علوم تربیتی.

ل/۵. من با نگاه خاصی اومدم دانشگاه. نمراتم در مقطع ارشد بالا بود، ولی لذت فهم برام حاصل نشده بود و من - توی رشته - عمیق نشده بودم. دانشگاه با آگاهی قبلی من همخوانی نداشت.

الف/۴. انتخاب موضوع خیلی برام سخت بود، دقیق نمی‌دونستم چکار کنم استاد پیشنهادهایی داد منم مجبور شدم یکی شون رو انتخاب کنم.

۱-۲ هدفمندی

برخی اوقات دانشجو چندان در تحصیل خود هدفمند رفتار نمی‌کند یا هدف خود را در بیرون از دانشگاه دنبال می‌کند. چنین دانشجویی یا به واسطه رویکردی که در تعامل با اساتیدش برمی‌گزیند چندان به توصیه‌های اساتید خود توجه نمی‌کند و علایق خود را پی می‌گیرد یا برای اینکه سریع‌تر این فرایند به پایان رسد، تمام موارد توصیه شده را انجام می‌دهد، چه برای او خوشایند باشد و چه نباشد. در مورد اخیر می‌توان گفت رابطه به سلطه مطلوب منجر شده است؛ یعنی گونه‌ای از سلطه که دانشجو دست کم از آن شکایتی ندارد. اما دسته‌اندکی که نگاهشان به تحصیل هدفمند است، از هر سلطه‌ای اجتناب می‌ورزند حتی به راحتی در دام سلطه مطلوب هم قرار نمی‌گیرند و سعی دارند که در این فرایند و رابطه نقش پیش‌برندگی با دانشجو باشد نه با استاد.

م/۶. من همیشه می‌رم دنبال علاقه خودم. کارای اجباری که بهم میدن رو خیلی علاقه‌ای ندارم، پایان‌نامه هم همین قضیه است. موضوعم که اونمی خواستم نشد. نمی‌خوام که این موضوع رو ادامه بدم می‌خوام به حداقل شکل ممکن انجامش بدم. آدم به علاقه‌اش بپردازه بهتره. هدفم چیز دیگه است.

ک/۳. موضوعی که انتخاب کردم نسبت به موضوع بقیه بچه‌ها نامتعارف بود استاد گفت چرا این موضوع؟ گفتم همین رو می‌خوام گفت چرا؟ گفتم دلیل شخصی دارم. بالاخره حرف من شد.

۳-۱ میزان و نوع استقلال دانشجو

اگرچه استقلال نسبی دانشجو در فرایند پایان‌نامه نویسی مطلوب است، اما در برخی موارد دانشجو به گونه‌ای مستقل بودن خویش را نمایان می‌کند که با معیارها و عرف رایج در بین اساتید هم‌خوانی ندارد و همین امر چالش‌هایی را برای او به وجود می‌آورد.

ز/۵... می‌خواستم علاقه خودم رو به اساتید تحمیل کنم... استاد اینقد موضوع من رو تغییر داد که اصلاً شد یه چیز دیگه. منم به دوستام گفتم من باید موضوع خودم رو کار کنم. و/۵. من کسی نبودم که موضوعات استاد رو بی‌چون و چرا قبول کنم، بعضی‌ها چرا. اما من آدمش نبودم چون می‌خواستم با موضوع ارتباط برقرار کنم. اما کلاً دانشجویی از زیر کار دررویی نیستم، اگر قانع شوم به حرف استاد عمل می‌کنم.

۴-۱ انتقاد و مطالبه‌گری

در این فرایند معمولاً رابطه با اساتید به گونه‌ای نیست که دانشجو بتواند راحت و بدون هیچ ترس و اضطرابی با استاد خود گفتگو و یا حق خود را مطالبه کند^۱. در بهترین حالت دانشجو حرف‌هایش را در لفافه و با اضطراب مطرح می‌کند و چون احتمال می‌دهد در بازخورد انتقادش از طرف استادش با تنبیه یا کم‌اعتنایی مواجه شود، دچار خودسانسوری می‌شود.

ب/۴. دوست داشتم این انتقاداتم رو بهش می‌گفتم، اما هرگز نشد حتی همین امروز دوس داشتم بهش بگم جناب دکتر... من توقعم اینه که شما وقت بذارین، ولی باز نتونستم

۱. در ادامه ذکر خواهد شد که متأسفانه در بسیاری از موارد دانشجو حقوق خویش را در این رابطه نمی‌داند.



مطرح کنم. این دغدغه‌ام شده.

ز/۵. از اون ایمیل اولی که به من زد و گفت برو استاد دیگه‌ای رو انتخاب کن من کاملاً ترسیدم. بعضی سو تفاهم‌ها که ایجاد بشه تا آخر دانشجو رو محافظه‌کار می‌کنه. منم از همون موقع توی لاک دفاعی رفتم.

۱-۵ انتظارات دانشجو

انتظارات متنوع دانشجو از رشته تحصیلی، پایان‌نامه و اساتید راهنما و مشاور می‌تواند زمینه نارضایتی او را از این رابطه فراهم آورد.

انتظارات علمی

در گفتگو با افراد به وضوح مشاهده شد که تعریف دقیقی از وظیفه و کارکرد اساتید راهنما و مشاور در اختیارشان نیست. تا دانشجو بتواند بر اساس آن استاد موردنظر خود را انتخاب کند یا رفتار خود را بر اساس آن سامان دهد، به همین دلیل به سردرگمی مبتلا می‌شود. به نظر می‌رسد عاملی که بیش‌ترین نوسان را برای این رابطه به وجود می‌آورد همین وجود نداشتن چارچوب دقیق و مشخص از وظایف و انتظارات است:

ب/۴. تصورم از استاد راهنما این بود که پا به پای من راه می‌داد. اینجور نباشه که بحثی رو مطرح می‌کنم برایش new باشه کار رو خونده باشه حداقل دو قدم جلوی من باشه. اما استاد اینجور نبود... من نمی‌دونم چی حقمه چی حقم نیست، مسلماً وقتی بدون این استاندارد باهاش حرف بزنم می‌گه خیلی چیزها وظیفه توست اما من نمی‌دونم حرفش درسته یا نه. استاد انگار نمی‌دونه که دفعه اولته داری پایان‌نامه می‌نویسی... اگر مطلبی رو پیگیری کنی می‌گه خیلی عجولی، اگر منتظر بازخوردش باشی می‌گه چرا یادآوری نکردی، انگار پایان‌نامه نامت برایش مهم نی. آدم سردگم میشه!

الف/۴ کار رو بردم پیش مشاور ایراد جدی گرفت برگردوندم پیش راهنما گفت من با این دید انتقادی به موضوع نگاه نکرده بودم. اما از استاد راهنما انتظار میره از ابتدا تا انتها به کار با دیدی انتقادی نگاه کنه نه اینکه سطحی به چیزی بگه.

انتظارات غیر علمی

همچنان که پژوهش پل و اسپروکرف^۱، (۱۹۹۷) نشان داد انتظارات دانشجویان از اساتید خود در این رابطه صرفاً محدود به مسائل علمی نیست. چراکه دانشجویان علاوه بر انتظار حمایت علمی و تخصصی از جانب اساتیدشان، در سایر جنبه‌های شخصی نظیر تأمین برخی نیازهای مادی همچون مسکن نیز انتظار پشتیبانی دارند. در این پژوهش نیز بارها مشاهده شد که انتظارات دانشجویان فراتر از انتظارات علمی است:

ح/۴. انگار برا استاد راهنما سخته از مقام استادیش پایین بیاد و با دانشجوی صمیمی بشه، میرم پیشش نه بلند میشه نه حاضر دست بده نه به منشیش میگه چایی بیار. برا من اینا مهم ترن. رابطه عاطفی خیلی مهم تر از رابطه علمیه به هر حال ایده‌آل من این رابطه‌ای نبود که با استادام داشتم.

ز/۵. یه جوریه که استاد نمی‌ذاره این رابطه پدر فرزندی یا مادر فرزندی شکل بگیره. فقط میگه این دانشجویست نکنه دورم بزنه!

ح/۴. یه استادی داریم حدود ۲۰ سال قبل از امریکا فارغ التحصیل شده. می‌گفت استاد راهنماش با ماشینش من رو توی روستاهای اونجا می‌برد تا پرسش نامه‌هام رو پر کنم خب اینجا چند تا استاد داریم اینجوری کنن؟

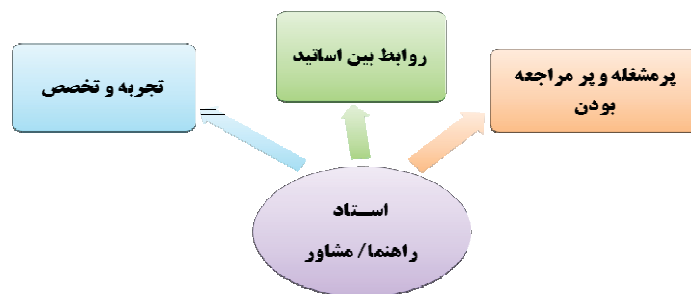
ل/۵. استاد راهنمای خارج از کشورم همه کار واسم انجام داد برنامه‌ام رو نوشت پرینت گرفت و بهم داد حتی یه واحد کوچیک کنار خونه اش با تمام امکانات برای من در نظر گرفته بود. خیلی از کارای اقامت من رو خودش پیگیری کرد. کی یه استاد میاد این همه محبت کنه؟

جدول ۱: انتظارات دانشجویان

ویژگی‌های مرتبط با انتظارات	انواع انتظارات دانشجویان
کمک در فرایند تدوین پایان‌نامه، بازخوردهای مداوم، بازخوانی مقالات استخراجی، حمایت برای استفاده از فرصت مطالعاتی، حمایت‌های مالی برای شرکت در اجلاس‌های داخلی و خارجی و چاپ مقاله، موکول نکردن انتقادات به روزهای نزدیک به تاریخ دفاع و حمایت و دلگرمی در جلسه دفاع	انتظارات علمی
احترام در روابط، ایجاد رابطه صمیمی با دانشجو، کمک برای یافتن شغل یا فرصت‌های پژوهشی	انتظارات غیر علمی

ب) عوامل مؤثری که از جانب استاد(راهنما/ مشاور) این رابطه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، کدام است؟

استاد



شکل ۲: مقولات مرتبط با استاد

۲-۱ تخصص و تجربه

تخصص (علمی و غیرعلمی) استاد، به شکل‌گیری یک رابطه مطلوب در فرایند پایان‌نامه نویسی کمک شایانی می‌کند، اما فقدان اساتید باتجربه - متناسب با تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی - در این رشته^۱ و گستردگی موضوعات موردعلاقه دانشجو، معمولاً به چالش‌های زیادی در این زمینه منجر می‌شود:

ش/۲. من نمی‌گم استاد راهنما توی تمام موضوعات تبحر داشته باشه، اما موضوعی رو که راهنمایی اون رو انتخاب می‌کنه، باید تجربه‌ای نسبت بهش داشته باشه، نه اینکه استاد سر فناوری اطلاعات موضوع برداشته بعد میگه ICT چیه؟!
ه/۵. استاد اگر تخصص نداشته باشه وقتی سر به موضوع میری پیشش قبول نمی‌کنه راهنمات شه، اما اگر بساز و بفروش باشه قبول می‌کنه.

۲-۲ روابط بین اساتید

یکی دیگر از مواردی که بر این فرایند اثر می‌نهد، روابط بین اساتید است. به طور نمونه دانشجو اغلب از طریق فضای پنهان و تجربیات دانشجویان قبلی از اختلافات یا روابط بین

۱. همچنان که ذکر شد این فقدان ممکن است ناشی از عمر نه چندان طولانی این رشته در عرصه دانشگاهی باشد.

اساتید مطلع می‌شود:

ک/۴. راهنما یه سری چیزا می‌گه، مشاور یه چیزای دیگه‌ای می‌گه. من توی تصمیم‌گیری می‌مونم. با هم خوب نیستن.

ب/۴. سر تصویب من رو خیلی اذیت کردن و فکر می‌کردم طرح مشکل داره، ولی بعدش متوجه شدم استاد با استاد مشکل داره و تو از هیچ چیز خبر نداری. استادان تلافی این اختلافاتشون رو سر دانشجو‌هاشون در میارن.

۳-۲ پر مشغله بودن اساتید

چند مسئولیتی و پر مراجعه بودن اساتید از مواردی است که نارضایتی فراوانی را در این رابطه برای دانشجو ایجاد می‌کند:

ش/۲. وقتی استاد چند شغل داره سرش شلوغه. دیگه وقت مناسبی سر پایان‌نامه نمی‌ذاره. من حقیقت رو بگم چون استاد راهنمام رئیس گروه بود انتخابش کردم. خب کم‌تر گیر می‌دادن و زودتر تصویب می‌کردن.

ل/۵. این عطشی که توی جامعه ما وجود داره سر انتشار مقاله و چاپ کتاب و از این حرفا به استادان فشارهایی می‌یاره. از طرفی تو خونه‌اش هم باید به زندگی‌اش برسه گاهی چندین مسئولیت داره خب همه اینا مجبورش می‌کنه از وقت اینورش بزنه یعنی وقتی که باید برای دانشجویش بذاره رو بزنه.

جدول ۲: مقولات اساسی مرتبط با اساتید

ویژگی‌های اساتید	چالش‌های مرتبط در فرایند هدایت پایان‌نامه
تجربه و تخصص استاد	اندک بودن تعداد اساتید گروه‌ها و محدود بودن تخصص‌ها از سویی، گستردگی دامنه موضوعی رشته و علائق دانشجویان از سوی دیگر، بی‌تردید محدودیت در انتخاب استاد را برای دانشجویان رقم خواهد زد که به‌آسانی می‌تواند زمینه نارضایتی را برای دانشجویان و حتی استاد فراهم کند.
روابط و فرهنگ پنهان بین اساتید	خصومت شخصی برخی اساتید با یکدیگر، رقابت علمی و غیر علمی بین اساتید، تمایل و اصرار در جذب و رد دانشجویان خاص، رفتارهای تلافی‌جویانه بی‌ربط با مسائل علمی در جلسه دفاع و بدگویی اساتید از یکدیگر در نزد دانشجویان از اهم مواردی است که به‌طور جدی این فرایند را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.
چندشغله بودن استاد	چندشغله بودن اساتید، زمینه عدم تمرکز کافی را برای دانشجویان و کار علمی قوی، رقم خواهد زد.

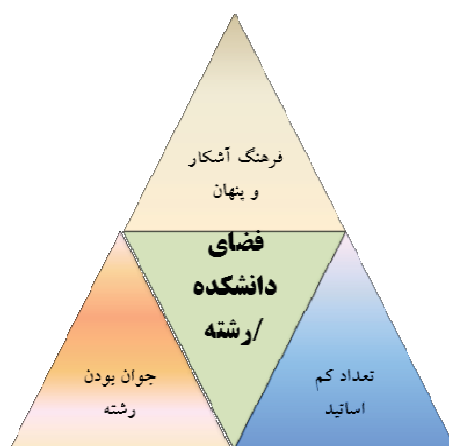
استاد مشاور

دیدگاه اکثر مصاحبه شونده‌گان نسبت به استاد مشاور در این پژوهش منفی بود؛ علاوه بر این نسبت به وظایف استاد مشاور، همانند وظایف استاد راهنما، اطلاعات دقیقی در دست افراد نبود. اغلب دانشجویان این نقش را نقشی صوری و نمادین می‌دانستند.

ح/۴. فرهنگ درست و غلط اینجوریه که مشاور و راهنما یه پولی می‌گیرن و سر جلسه دفاع می‌شینن. من اینو در مورد مشاور خودم قبول دارم برا من وقت کافی نداشت.

ت/۱. استاد مشاور فقط اسم به صراحت می‌گه پولش رو استاد راهنما می‌گیره، زحمتش رو من بکشم؟....دفاع زیاد رفتم اغلب مشاورها توی جلسه دفاع نمی‌دونستن موضوع چیه؟

ج) فضای رشته و دانشکده چگونه این رابطه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؟



شکل ۳: فضای حاکم بر رشته و دانشکده

فرهنگ، تجارب و سنت‌های مرسوم در گروه و دانشکده

تجربه سایر دانشجویان از این فرایند می‌تواند در طی سالیان و ترم‌های پی در پی تبدیل به سنت رایج گروه‌ها شده و از طریق انتقال تجربه به دانشجویان جدید منتقل شود. ت/۱. استاد راهنما به طور اعم در دانشگاه و به طور اخص در گروه فلسفه تعلیم و تربیت هیچ کمکی نمی‌کنه. فقط دانشجو رو الاف خودکامگی خود می‌کنه.

ک/۳. بااین‌همه، گذشت ولی تجربه تلخی بود؛ پایان‌نامه‌ام را مانند میوه‌هایی می‌دیدم که قبلاً از رسیدن باید می‌چیدم...

ل/۵. من برا استاد راهنمام اعتماد ایجاد کردم تا رابطه انسانی و برادری و خواهری بین ما شکل گرفت جلسه دفاع هم خوب بود و استادم هم دفاع کرد ازم. من رو صادقانه ستایش کرد. گاهی برای سالیان متوالی روال و رویه‌ای در فضای دانشکده و گروه‌ها جریان می‌یابد که الزاماً منطبق بر قوانین هم نیست، اما سنت رایج است، این موارد را می‌توان جزئی از برنامه درسی پنهان به حساب آورد که این رابطه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

ب/۴. زیاد شنیدم از بچه‌ها که میگن حواست به فلان استاد و فلان استاد باشه اینا با هم مشکل دارن. گاهی هم تو دانشکده ما این مسائل حاشیه‌ای اینقد پر رنگ میشه که کار علمی زیر سؤال می‌ره.

ک/۳. تصویری که از دوره ارشد داشتم و سال بالایی‌ها هم همیشه می‌گفتن خودش - دوره ارشد - ساده است، پایان‌نامه‌اش سخته از همون ابتدا بنا به تجربه گذشتگان پایان‌نامه در ذهن من یک غول شده بود.

نحوه کنشگری دانشجو در این رابطه:

د) در فرایند پایان‌نامه‌نویسی دانشجویان چه شیوه‌ای را در مواجهه با اساتید راهنما و مشاور برمی‌گزینند؟

یافتن روش‌هایی که دانشجویان در تعامل با اساتیدشان در این فرایند برمی‌گزینند، مسئله دیگری بود که در مصاحبه‌ها دنبال شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش حداقل سه شیوه شناسایی شد: کنش انفعالی همراه با نارضایتی و سرخوردگی، کنش تهاجمی و کنش بر اساس آزمون و خطا.

کنشگری انفعالی

ک/۳. به بعضی رفتارهای استاد هم هیچی نمی‌تونم بگی. دستت بسته است. طرف استادته، به حرفش گوش ندی حتماً به جایی جبران می‌کنه.

م/۶. پرویزالم رفت گروه، بدون اینکه من در جریان قرار بگیرم. من هیچ دخالتی نداشتم. این روند تغییر موضوع آروم آروم اتفاق افتاد عینه آمپولی که تو رو آروم به خواب می‌بره. وقتی متوجه شدم دیدم بالاخره چیزی شد که من نمی‌خواستم... اونا علاقه من رو نمی‌فهمیدن... حالا دیگه تصویب شده باید سریع تر پی‌اش رو بگیرم که زودتر تمام کنم. نه خیلی وقت

می‌زارم نه زیاد به استاد سر می‌زنم دنگ و فنگش زیاده. حوصله‌اش رو ندارم.

کنشگری آزمون و خطایی

و/۵. من چند بار توی دوره ارشد چند موضوع بردم برای استاد. دیدم اصلاً ایشون جدی وارد گود نمیشن. اینا رو تجربه کردم بعد رفتم روی یکی دو موضوع حساسی کار کردم بعد یه روز با تمام مستندات که با خودم آورده بودم سوزن خودم رو به ایشون زدم! که ایشون برانگیخته شد که به واسطه همین تجربه موضوع ارشد من در اومد.

ج / ۳. با من مخالفت‌هایی می‌شد، اما من غالب شدم. سر اصلاح هم اساتید پیشنهاد‌هایی می‌دادن که من برخی رو اعمال می‌کردم برخی رو هم بیش‌تر توضیح می‌دادم تا قانع‌شن.

کنشگری تهاجمی

و/۵. من سر موضوع و مباحث مربوط با پایان‌نامه زیاد با استادم بحث می‌کردم بیخودی مزاحمش نمی‌شدم با دست‌پر می‌رفتم و معمولاً هم جواب می‌گرفتم. نمی‌ذاشتم سر رشته کار از دستم در بره.

در جدول زیر سعی شده ویژگی‌های این سه مورد دسته‌بندی و ذکر شود.

جدول ۳: نحوه کنش دانشجو با استاد در فرایند پایان‌نامه‌نویسی

انواع کنش دانشجو	ویژگی‌های مرتبط
کنش انفعالی همراه با نارضایتی	بر اساس این شیوه نقش تعیین‌کنندگی، پیش‌برندگی و زدن حرف آخر در اختیار استاد است و دانشجو اختیاری از خود ندارد. آشنا نبودن با فرایند پایان‌نامه‌نویسی، مسئله علمی نداشتن، آگاه نبودن به قوانین و ترس از حمایت نشدن احتمالی از جانب استاد یا حتی تنبیه شدن از جانب او را می‌توان از عوامل اصلی منفعل و محتاط رفتار کردن دانشجو دانست.
کنش بر اساس آزمون و خطا	در این شیوه دانشجو نه منفعلانه کار را سامان می‌دهد و نه تهاجمی، بلکه با قرار گرفتن در موقعیت‌ها و دشواری‌ها سعی می‌کند با آزمون و خطا راهی برای برون‌رفت پیدا کند. شایان ذکر است کسانی که در پیچ‌وخم آزمون و خطا منفعل نمی‌شدند، اغلب به موفقیت‌های قابل قبولی دست می‌یافتند که در مراحل بعدی برای آن‌ها راه‌گشا بود.
کنش تهاجمی	مبتنی بر این شیوه دانشجو سعی می‌کند هر طور شده در پازل پایان‌نامه‌نویسی سگانه‌دار باشد، اما رویه پیاده‌سازی این شیوه همواره با موفقیت همراه نیست و دانشجویان اندکی حاضر به پذیرش ریسک چنین رویه‌ای هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، رضایتمندی دانشجو از رابطه با اساتید راهنما و مشاور در فرایند پایان‌نامه نویسی در سطح مطلوبی قرار ندارد و دانشجویان بر چالش برانگیز بودن و فرسایشی بودن این فرایند تأکید داشتند که با گفته (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳)، هم‌خوانی دارد. هرچند پژوهش حاضر کیفی بود و هدف، تعمیم‌دادن نتایج آن نبود، اما نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش عطاران و همکاران (۱۳۸۷) به نقل از صفایی و همکاران، (۱۳۸۹) هم‌خوانی دارد که بر اساس آن، بیش از نیمی از دانشجویان از رابطه با استاد راهنمایشان ناراضی بودند. همچنان که ذکر شد، این نارضایتی علل و عوامل متعددی دارد. از سویی وظایف هرکدام از طرفین این رابطه به صورت شفاف در قانون مشخص نشده و اگر مشخص شده نیز به راحتی در اختیار و دسترس دانشجو نیست. باوجوداینکه اغلب دانشگاه‌ها بخشنامه و آیین‌نامه‌هایی پیرامون نحوه نگارش پایان‌نامه-که بیش‌تر جنبه ساختاری دارند- را در اختیار دانشجو قرار می‌دهند و او را ملزم به رعایت آن می‌کنند، اما مواردی که به تبیین این وظایف پرداخته باشد کم‌تر یافت می‌شود و این در حالی است که دانشگاه‌های مطرح دنیا معمولاً اطلاعات مفیدی در این زمینه در اختیار دانشجو قرار می‌دهند.

دانشجو حق، تکلیف و اختیارات خود را به درستی نمی‌شناسد، در نتیجه مشخص نیست که انتظارات دانشجو واقعی و منطبق با وظیفه قانونی اساتید است یا بیش‌تر از آن. از سوی دیگر این عدم شفافیت منجر می‌شود تا استاد در مقام پاسخگویی قرار نگیرد و همواره مطالبه‌کننده باشد و از موضع بالاتر -که الزاماً عادلانه‌تر نیست- این رابطه را هدایت کند. رفتارهای منفعلانه و خستی دانشجو در این فرایند و نداشتن نقش پویا و کارا از طرف او نیز از مواردی است که باید ریشه بسیاری از آن‌ها را در ناآگاهی خود دانشجو جستجو کرد. بدیهی است به‌واسطه وجود داشتن قانون و مقررات قابل دسترس در این زمینه، امکان تحقق سلطه‌پذیری- نه الزاماً علمی- بر دانشجو آسان‌تر فراهم می‌شود.

فقدان اساتید باتجربه و چندشغله بودن بسیاری از اساتید از یک‌سو و گستردگی موضوعات موردعلاقه دانشجویان برای پایان‌نامه‌نویسی از سوی دیگر، از مؤلفه‌هایی است که اجازه شکل‌گیری رابطه مطلوب بین این دو قشر را فراهم نمی‌کند. بدیهی است استادی که

تجربه كافى ندارد، اما به هر دليلى هدايت پايان نامه را بر عهده مى گيرد، بيش از هر چيز مجبور به تظاهر شود. ويلسون (۱۹۸۲) در اين باره گزارش مى دهد كه گاهى استاد راهنما تظاهر به راهنمايى مى كند و كار خاصى را به عنوان راهنما انجام نمى دهد. در اين گونه موارد به ندرت نظر و علاقه دانشجو تأمين خواهد شد. همچنين بى تجربگى برخى اساتيد و نا آشنا بودن با موضوعى كه دانشجو قرار است پيرامون آن تحقيق كند نه تنها اين رابطه را دچار مخاطره مى كند، بلكه به كيفيت نهايى كار نيز لطمه وارد مى كند.

در اين ميان فقدان آشنايى جدى دانشجو با فلسفه پايان نامه نويسى و ملزومات آن، مى تواند زمينه سلطه پذيرى دانشجو را همانند موارد قبلى تسهيل كند. اگرچه در درسى مانند سمينار و حتى دروس ديگر دانشجو با نگارش و اثرات آن آشنا مى شود، اما بايد پذيرفت اين مقدار نه كافى است و نه راهگشا. سردرگمى اغلب دانشجويان از مراحل آغازين پايان نامه تا مراحل پايانى آن گواهى است بر اين مدعا.

فضاى حاكم بر دانشكده ها و گروه ها يكي ديگر از عواملى است كه اين رابطه را متاثر مى كند. همچنان كه ذكر شد، در برخى موارد حواشى و سنت هاى موجود در اين محيط ها باعث قربانى شدن و يا نادیده گرفته شدن دانشجو و نيازهايش مى شود. يكي از اين موارد، اختلافات - نه صرفاً علمى - بين اساتيد راهنما و مشاور يا حتى ساير اعضاى گروه علمى با يكديگر است. مورد ديگرى كه به چالش در اين رابطه منجر مى شود، مشخص نبودن جايگاه استاد مشاور در امر پايان نامه نويسى است. در بسيارى از مصاحبه ها، دانشجويان اذعان داشتند كه نقش استاد مشاور و جايگاه او به درستي شناخته شده نيست.

فقدان نظام ارزشيابى علمى و دقيق مختص فرايند پايان نويسى، واضح و كافى نبودن قوانين موجود، همچنان كه بيش تر افراد اين پژوهش از آن ابراز بى اطلاعى كردند، مى تواند زمينه سلطه استاد بر دانشجو را به وجود آورد و به دنبال آن نامشخص بودن وظايف طرفين در اين فرايند زمينه نارضائى هاى را براى دانشجو و در برخى موارد براى اساتيد فراهم آورد.

همچنان كه گاسليگ و نوردام (۲۰۰۶) معتقد هستند، موفقيت در نوشتن رساله مستلزم تعامل پويا با افراد بسيارى از جمله استاد راهنما و مشاور است. اين دو پژوهشگر بر اين باور هستند براى موفقيت در رساله نويسى به كمك افراد بسيارى نياز است و اگر تصور شود كه اين حمايت ها به خودى خود به سمت دانشجو جريان مى يابد و نيازمند هيچ تلاشى از جانب او

نیست، ممکن است زمینه سرخوردگی او را فراهم کند. آموختن نحوه تعامل و به کار بردن هنر و خلاقیت در مدیریت این رابطه از ویژگی‌های اساسی است که دانشجو باید آن‌ها را کسب کند.

همچنین از منظر دیگر به نظر می‌رسد پایان‌نامه از نظر دانشجو یک نوشته مستقل یا دست کم شبه مستقل تلقی نمی‌شود و از همان ابتدا به جای نگرش مثبت به آن، نوعی ترس و واهمه از به فرجام رساندن آن برای دانشجو وجود دارد. دانشجو یا نمی‌داند یا نیاموخته که پایان‌نامه را «او» باید بنویسد. به عبارت دیگر این دانشجوست که مدعی است سخن نسبتاً تازه‌ای - در علم - دارد و قصد دارد این حرف تازه را زیر نظر متخصصان (استاد راهنما/ مشاور) مطرح کند، اما همچنان که برخی از مصاحبه‌های این پژوهش گواه بود، اغلب یافتن موضوع پایان‌نامه نیز برای دانشجو آسان نیست. بدیهی است دانشجو به راحتی به واحد پایان‌نامه می‌رسد، اما مسئله‌ای برای پژوهش ندارد و مجبور است به دلیل رو به اتمام بودن زمان تحصیل - به هر روشی - در نهایت به موضوعی تن دردهد. لذا تفاوت بسیاری است بین دانشجویی که حرفی برای گفتن دارد و دانشجویی که دریافتن موضوع نیز سردرگم است. روشن است که حالت اخیر می‌تواند چه دشواری‌های متعددی را در ادامه این فرایند گریبان‌گیر طرفین این رابطه کند.

از سوی دیگر دانشجوی تحصیلات تکمیلی مجبور است پایان‌نامه را به سرانجام رساند و گرنه باید قید دانش آموختگی را بزند، لذا در صورتی که مقدمات و توانمندی‌های لازم برای طی این مسیر، نظیر قدرت علمی قابل قبول، توانایی نگارش پایان‌نامه، قدرت تعامل با اساتید مربوطه و مواردی از این دست را نداشته باشد و به هر قیمتی بخواهد دانش آموخته شود، ناگزیر این فرایند به فرایندی فرسایشی برای طرفین این رابطه تبدیل خواهد شد که چیزی جز پایان‌نامه‌ای بی‌کیفیت و جلسه دفاعی صوری به همراه نخواهد داشت.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر دودسته پیشنهاد ارائه می‌شود که وضعیت بینشی و مهارتی دانشجویان را افزایش می‌دهد:

بینشی: لازم است در طول دوره تحصیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) در دروسی نظیر سمینار و روش پژوهش بیش از آنکه صرفاً به جنبه‌های مهارتی و فنی پژوهش تأکید شود، زمینه آشنایی دانشجو با فلسفه پایان‌نامه نویسی و پژوهش فراهم شود. ایجاد بستری که از

طریق آن دانشجو به نقش خود به عنوان عامل اصلی و فعال در این فرایند واقف شود، می تواند بهبود رابطه استاد - دانشجو را فراهم کند. به نظر می رسد پاسخگویی به مواردی چون چستی پایان نامه، عوامل مؤثر در پایان نامه های مطلوب، واکاوی نقش دانشجو در طی فرایند پایان نامه نویسی و مواردی از این دست، می تواند بینش دانشجو را در این زمینه افزایش دهد.

مهارتی: در حوزه مهارتی نیز تأکید می شود که ضعف نوشتاری و تسلط بر ملزومات پژوهشگری نباید به دوره های تحصیلات تکمیلی موکول شود. بلکه باید در سرتاسر نظام تعلیم و تربیت - حتی در مقاطع پایین تر- به فراخور سن و گیرایی فرد آموزش های متناسب ارائه شود. پرورش روحیه انتقادی، پرسشگری، چالش آفرینی و علمی نگاه کردن به مسائل بشری از مواردی نیستند که بتوان در چند جلسه مختصر همچون واحد سمینار زمینه بارور کردن آن ها را فراهم کرد.

در همین راستا پیشنهاد می شود برای واحدهایی چون روش پژوهش، بخش مجزای عملی در نظر گرفته شود که دانشجو تا قبل از رسیدن به واحد پایان نامه تمرینات مستقلی را در این زمینه سپری کرده باشد. ایجاد بخش هایی چون واحدها یا بخش های نوشتاری^۱ همانند آنچه در اغلب دانشگاه های بزرگ دنیا وجود دارد می تواند مهارت های لازم در این زمینه را به دانشجو منتقل کند. ارائه بازخوردهای مداوم از سوی اساتید چه قبل از شروع پایان نامه در تکالیف محوله به دانشجویان و چه بعد از شروع این فرایند ضمن تقویت اعتماد به نفس دانشجو در امر نوشتن می تواند زمینه نزدیک شدن دیدگاه طرفین این رابطه را نیز فراهم کند.

در پایان نیز لازم است اشاره شود که پایان نامه پژوهی در کشور ما - به خصوص با تکیه بر رویکردها و روش های کیفی - عمر چندانی ندارد و برای برون رفت از وضعیت نابسامان آن در حال حاضر باید این مسئله از زوایای متعددی مورد واکاوی قرار گیرد. از این رو هم بنا به بازخوردهای حاصل از پژوهش حاضر و هم بنا به ضرورت پیشنهاد می شود به این مسئله بیش تر توجه شود تا رفته رفته آورده های قابل قبول تری را برای سیاست گذاری در برنامه درسی آموزش عالی فراهم کند.

منابع

- بهشتی، سعید (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز. *فصلنامه قیاسات*، سال یازدهم، شماره ۳۹. ۱۰۹-۱۲۴.
- شعبانی‌ورکی، بختیار و محمدی چابکی، رضا (۱۳۸۷). تاریخ فلسفه تعلیم و تربیت در ایران. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست چهارم، شماره ۴، ۵۰-۱۷.
- صفایی موحد، سعید، عطاران، محمد، تاجیک اسماعیلی، عزیزاله (۱۳۸۹). واکاوی هنجارهای پنهان مؤثر بر انتخاب استاد راهنما: یک مطالعه پدیدار شناختی. *دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، سال اول. شماره ۱، ۹-۳۷.
- ضرغامی، سعید؛ بازقندی، پروین (۱۳۸۹). نمود شناسی تجربه تحصیل در کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم. *دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، سال اول. شماره ۱، ۱۴۱-۱۱۹.
- فتحی واجارگاه، کوروش؛ عارفی، محبوبه، جلیلی نیا، فروز (۱۳۸۹). بررسی برنامه‌های درسی پنهان در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. *دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، سال اول. شماره ۱. ۹۶-۱۱۸.
- قورچیان، نادر قلی، آراسته، حمید رضا و جعفری، پریش (۱۳۸۳). *دایره المعارف آموزش عالی*. چاپ اول، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- گزارش خبرنگاری مهر (۱۳۹۳). هزینه‌های بالای یک تقلاب بزرگ علمی / داستان پایان‌نامه نویس شدن نخبگان دانشگاهی! قابل بازیابی در سایت:

www.mehrnews.com/detail/News/۲۳۵۰۵۶۸

- Allen, D. (1995). Hermeneutics: Philosophical traditions and nursing practice research. *Nursing Science Quarterly*, 8 (4), 174-182.
- Brown, D. R., & Krager, L. (1985). Ethical Issues in Graduate Education: Faculty and Student Responsibilities. *The Journal of Higher Education*, 56(4), 403-418.
- Darracq, G. R., & Moorman, E. C. (1997). Reforming Student-Professor Relations: Personal Qualities to Improve the Wildlife. *Wildlife Society Bulletin*, 25(3), 748-750.
- Gardner, S. K. (2009). Contrasting the socialization experiences of doctoral students in high- and low-completing departments: A qualitative analysis of disciplinary contexts at one institution. *Journal of Higher Education*, 81(1),

61-81.

- Given, L. M. (2008). The SAGE encyclopedia of qualitative research methods. (ed), London: Sage.
- Gosling, P., & Noordam, B. (2006). *Mastering your PhD: Survival and success in the doctoral years and beyond*. Berlin: Springer.
- Hair, M. (2006). Superqual A tool to explore the initial expectations of PhD students and supervisors. *Learning in higher education*, 7(1), 9–23.
- Hoffman, A. M. (2003). *Information technology and teaching: A Critical hermeneutic interpretation for creating equitable learning environments in urban setting*. (Doctoral dissertation). Retrieved from Dissertations and Theses database. (UMI No. 3083913).
- Jaeger, J. A., Sandmann, R. L., & Kim, J. (2011). Advising Graduate Students Doing Community-Engaged Dissertation Research: The Advisor-Advisee Relationship. *Journal of Higher Education Outreach and Engagement*, 15(4), 5-26.
- Kleijn, R. A. M. de, Meijer, P.C., Pilot, A. & Brekelmans, J.M.G. (2011). Master's thesis supervision: relations between perceptions of the supervisor–student relationship, final grade, perceived supervisor contribution to learning and student satisfaction, *Studies in Higher Education*, 1-15. doi:10.1080/03075079.2011.556717.
- Lichtman, M. (2006). *Qualitative research in education a user's guide*. London: Sage.
- Mulready-Shich, J. A. (2008). *The Lived Experiences Of Students As English Language Learners In The Nursing Classroom: A Critical Hermeneutic Inquiry*. (Doctoral dissertation). Retrieved from Dissertations and Theses database. (UMI Number: 3313764).
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative research and evaluation methods* (3rd ed.). Thousand Oaks.
- Pennsylvania University. (2006). Graduate Supervision: Guidelines for Students, Faculty, and Administrators at the University of Pennsylvania. Retrieved December 13, 2011, <http://www.upenn.edu/grad/GraduateSupervision.pdf>.
- Pole, C. J. & Sprokkereef, A. (1997) 'Supervision of Doctoral Students in the Natural Sciences: Expectations and Experiences'. *Assessment & Evaluation in Higher Education* 22(1), 49–64.
- Roberge, J. (2011). What is critical hermeneutics?. *Thesis Eleven*, 106(1), 5–22.
- Schlechty, P. C., & Atwood, H. E. (1977). The Student-Teacher Relationship. *Theory Into Practice*, 16(4), 285-289.
- Terhune, C. (2008). Coping in Isolation The Experiences of Black Women in White Communities. *Journal of Black Studies*, 38(4), 547-564.
- Under, H. (2008). Philosophy of Education as an Academic Discipline in Turkey: The Past and the Present. *Studies in Philosophy and Education*,

27(6),405-431.

Wilson, E. K. (1982). Power, pretence, and piggybacking: Some ethical issues in teaching. *Journal of Higher Education*, 53, 268-281.